

□ ایرانیان پس از حمله‌ی اعراب و فروپاشی اجتماعی و باورهای باستانی که کهن ریشه داشت، به دگرگونی در تمام مظاهر ادبی گرفتار آمدند و چون ملتی تحقیر شده و تحت ستم بودند، عوامل محیطی نوعی ترس و هراس در همه جامعه ایجاد کرد به طوری که مردم برای گذران زندگی و مصونیت و امنیت مدیحه‌سرای حاکمان و زورمداران شدند.

در دهه‌های اول سرنوینی دولت ساسانی و فرار اسف‌انگیز یزدگرد سوم، نوعی بهت و حیرت و سرخوردگی جامعه ایران را فرا گرفته لیکن پس از چندی عده کمی از ایرانیان وطن پرست به دفاع از ملیت و تمدن و فرهنگ این مرز و بوم همت گماشتند و دوباره هویت و زبان خود را به منصفی ظهور رسانیدند، اما روح تعریف و خوش‌آمدگویی و ظاهرسازی در مردم شکل گرفت و سردمداران و طبقه حکومت‌گرا روش و منش تملق و چاپلوسی از هر حاکم شقی و ستمکار را پیشه خود ساختند و برای به آب و نان و شغل و مقام رسیدن اغلب از هر دنیایی فروگزاری نکردند، به طوری که ادبیات طبقه حاکمه با ظاهر فریبی و سالوس عجین شد و در دوران‌های مختلف رنگ و شکل و شمایل ویژه به خود گرفت و با کمال تأسف تاکنون هم ادامه دارد.

غلو و مبالغه در مدح حکومتگران به پایمی رسید که برای هر مقام دولتی و مصدر کاری اغلب کلمات عجیب و غریب و ناهنجار و حتی من در آوردی به کار می‌بردند که با فرهنگ و ادبیات ایرانی بیگانه بود.

در حالی که در دوران باستان هیچ‌گاه این جریان سابقه نداشت و در مورد شاه، تنها لفظ شاهنشاه به کار می‌رفت، چون شاه بر سرزمین‌های گوناگون سلطنت می‌کرد و حتی در کتیبه‌ی عظیم بیستون، القاب اضافی و آن‌چنانی برای داریوش بزرگ ذکر نشده و در مورد سایر مقام‌های حکومتی فقط نام افراد ذکر می‌شد و شاید مقدار کمی از قبیل (بزرگ مهرورز) در مورد بزرگمهر به مناسبت فرزندی و دانش بیشتر در خور چنین القایی بودند.

یابد به خاطر داشت به کار بردن القاب و عناوین دروغین برای فرد، ایجاد خودمحوری و استبداد رای بیشتر می‌کند و نتیجه آن بسط قدرت و ظلم و فساد می‌باشد.

اینک چند شاهد تاریخی از دوران‌های گذشته را ذکر می‌نمایم.

۱- از **جامع التواریخ**: حق جل و علا سایه‌ی سلطنت پناه پادشاه جهان، شهنشاه زمین و زمان و خدایگان خواقین ایران و توران، مظهر فیض و فضل رحمان، مظهر شعار اسلام و ایمان، دارای دین پرور و جمشید دادگستر، محیی مراسم جهاننداری، معالی اعلام کامکاری، باسط بساط معدلت فیاض بحر رحمت، مالک ممالک فرمانروایی، وارث سریر چنگیز خانی، سایه الله ناصر دین الله تا انقراض جهان و انقضای زمان بر سر کافه آنام پاینده و مستدام دارد و یرحم‌الله عبداً قال آمیناً (نقل از جامع التواریخ تألیف رشیدالدین فضل اله وزیر عمادالدوله ابی

الخیرین موفق الدوله علی به مناسبت به سلطنت رسیدن نواده‌ی چنگیز مغول در این وقت والی شروانات امیر شیخ ابراهیم که به فخامت قدر و تباهات ذکر و مکارم اخلاق و قدم خاندان از ملوک زمان ممتاز بود به ارشاد عقل و دلالت کمر عبودیت و خدمتکاری بر میان اخلاص و هواداری بسته، از راه انقیاد و متابعت به درگاه اسلام پناه شتافت و به مساعدت سعادت شرف بساط بوری که مقصد اقصای سلاطین روزگار بود، دریافته پیشکش‌های لایق و تقووظ‌های موافق به عزّ عرض رسانید ملک‌زاده هرات پیر محمد که خواهرزاده صاحبقران سونج قتلق نام زن او بود، التماس نمود که جناب افادت مآب، خورشید آسمان جلالت، مشتری سپهر سعادت و شهبسوار مضمار تحقیق، قافله سالار طریق توفیق، مقنن اصول و فروغ، منون دو اوین معقول و مسموع، ناظم در فصاحت، ناقد غرر بلاغت، مولانا و امامنا، سعدالمله والدین التفتازانی بلغه‌الله تعالی اعلی المراتب فی دارالامانی به جانب سرخس تشریف نماید و حضرت صاحبقران اموال او را میثول فرموده، جناب مولوی عازم سرخس شد و شرح کلام در این مقام به نوع بسطی اختتام خواهد یافت، و نزد مطلعان حقایق و دقایق چون فروغ آفتاب ساطع و شارق است که منقبت تالیف و تحقیق و مزیت تصنیف و تدقیق، و لطافت تحریر و حلاوت تقریر و توضیح خفیات و تلویح جلیات و کشف مشکلات و فتح معضلات و انجاز مقبول و اعجاز امول بر جناب مولوی ختم است و بر دست همت آن حضرت حتم

۲- از مطلع السعدین (تاریخ مغول و اوایل ایام تیموری تألیف عباس

اقبال آستینانی:

بندگی حضرت سلطنت شعاری- خلدالله ملکه و سلطانه- امرا و ارکان دولت را نوازش فرموده، هر یک را - علی اختلاف مراتبهم و قدر منازلهم - تربیت و عنایت فرموده مستظهر گردانید و به جهت استمالت و رعایت جوانب امثله همایون در اطراف و اکناف نفاذ یافت و امضاء پذیرفت. امرا و ولات که از درگاه و دیوان، منشور امارت و رأیت ایالت داشتند، شعار و دنار هو و ولاء جنت هر گردانیدند و از ره حسن اخلاص و صفای عقاید، روی به بارگاه سپهر رفت و حضرت جنت حضرت نهاده، در زمره خول و حرم و سنک عبید و حشم داخل و منظم گشته و جبین جباران دهر و قهاران عصر بر آستان متابعت و آشیان مشایعت فرسوده شد، و رقابت سروران گیتی و گردنکشان آفاق در طوق طاعت و حلقه عبودیت آمد.

۳- از **زبدة التواریخ** تألیف حافظ ابرو به تصحیح کمال حاج سید جوادی صفحه‌ی ۷: و چون به مبارکی و طالع سعد به بیلاق سملقان، اتفاق نزول افتاد، بندگی حضرت سلطنت شعاری خدالله ملکه و سلطانه، منکک تیمور نایمان را که به آداب رسالت و رسوم شهادت مذکور و مشهور بود، به جانب بیر پادشاه فرستاد و مثال واجب الامتثال موشح به توقیع همایون ارسال فرمود. ■